گزارش

معاون احمدی‌نژاد آزاد شد

«محمدرضا رحیمی هفته گذشته در حالی که وارد چهارمین سال حبس شده بود، برابر با مقررات قانونی در قالب آزادی مشروط از حبس خارج شده است». این جمله را کورش روشن، وکیل‌مدافع معاون‌اول دولت دوم محمود احمدی‌نژاد در پاسخ به پرسش «خبرآنلاین» مطرح کرد. طبق ماده ۵۸ قانون مجازات اسلامی افرادی که حبس کمتر از ۱۰ سال دارند، پس از سپری‌کردن یک‌سوم از مدت حبس می‌توانند از آزادی مشروط استفاده کنند. به گزارش «پایگاه اطلاع‌رسانی دادسرای عمومی و انقلاب تهران» رحیمی ۲۶ بهمن سال ۹۳ با حضور مأموران پلیس در محل سکونت، «تفهیم موضوع اجرای حکم» و به زندان منتقل شد. به این ترتیب او حدود سه‌سال‌ودو ماه از پنج‌سال‌و ۹۱ روز حبس خود را در زندان سپری کرده است. رحیمی دوران زندان خود را در بندهای هفت یا هشت زندان اوین، بندهایی که به محکومان مالی و کلاهبرداران اختصاص داده شده، گذراند. بندی که «شهرام جزایری» هم دوره زندان خود را در آن سپری کرد. اتهام اصلی او فساد در «بیمه ایران» و تحصیل مال نامشروع بود؛ برای همین هم به پرداخت دومیلیاردو ۸۵۰ میلیون تومان رد مال و یک میلیارد تومان جزای نقدی محکوم شد. حکم معاون اول دولت «پاکدستان» در دادگاه تجدید نظر از ۱۵ سال، به پنج‌سال‌و ۹۱ روز کاهش یافت اما جزای نقدی او دست‌نخورده باقی ماند و نهایی شد.

آخرین بازمانده حلقه خیابان فاطمی

سخنگوی قوه قضائیه بعد از نهایی‌شدن حکم رحیمی درباره پرونده او گفته بود: «اصل پرونده در سال ۸۸ شروع شده بود اما وقتی تحقیقات به جایی رسید که کاملا اتهامات متوجه آقای رحیمی شد، در سال ۹۰ اسم وی نیز ضمیمه پرونده و ثبت کیفری شد... پس از آن از آقای رحیمی نیمه اول سال ۹۰ به صورت رسمی تحقیقات به عمل آمد. بازپرس تحقیقات خود را در نیمه اول سال ۸۹ به صورت رسمی از وی آغاز کرد و در ۱۱ جلسه با حضور آقای محمدرضا رحیمی و وکلای وی جلسات چندساعته تحقیقات برگزار شد... و نهایتا با صدور قرار مجرمیت و کیفرخواست برای محمدرضا رحیمی و سایر متهمان پرونده این پرونده به دادگاه ارسال شد». با این وجود رحیمی تا پایان دولت دوم احمدی‌نژاد معاون‌اول و رئیس ستاد هماهنگی مبارزه با مفاسد اقتصادی باقی ماند. گفتنی است که در آن سال‌ها صداهایی به اعتراض حضور او در این جایگاه‌ها هرازچندگاهی بلند می‌شد. اعتراض نمایندگان مجلس یکی از آن صداها بود. الیاس نادران در سال ۸۹ رحیمی را به فساد مالی متهم کرده و گفته بود: او «رئیس حلقه خیابان فاطمی است و در مورد منابع فاسد و توزیع آنها تصمیم‌گیری می‌کرده». نادران همان زمان به مسئولان هشدار داد که «تقریبا تمام اعضای این حلقه به جز آقای رحیمی دستگیر شده‌اند و نباید کسی به‌دلیل مسئولیت اجرائی مستثنا شود». حلقه خیابان فاطمی نامی بود که بر مفسدان بیمه ایران گذاشته شده بود.

اطلاعیه رئیس و نامه معاون

هنگامی که نام رحیمی به‌عنوان متهم مطرح شد، محمود احمدی‌نژاد در موقعیتی متناقض قرار گرفت؛ او از سویی بارها تاکید کرده بود که در حلقه نزدیک اطرافش هیچ ردی از فساد مالی نمی‌توان کشف کرد و از طرفی هم هیئت دولتش را خط قرمز خود دانسته بود. به این شرایط نقد فزاینده رسانه‌ها و مردم را به کلیت کارنامه دو دولت احمدی‌نژاد باید افزود، نقدی که با شرایط اقتصادی پایان دولت دهم کاملا تشدید شده بود. با قطعی‌شدن حکم نهایی معاون‌اول، رئیس دولت سابق اطلاعیه‌ای صادر کرد که تکیه آن بر این نکته بود که تخلفات رحیمی برای دوره‌ای است که در دولت او حضور نداشته. احمدی‌نژاد اطلاعیه را به شیوه خود به پایان رساند که «ماه همیشه زیر ابر پنهان نمی‌ماند». اطلاعیه رئیس، معاون را رنجاند. رحیمی اطلاعیه را با نامه‌ای پاسخ داد که این‌گونه آغاز می‌شد: «این مختصر را چگونه می‌توانم آغاز کنم جز آنکه بگویم: چون دوست دشمن است شکایت کجا برم؟ البته شما دشمن نبوده‌اید و مرا با شما دوستی و رفاقت دیرینه‌ای است که مربوط به سال‌های اخیر نیست. نیک می‌دانید و دیگران هم خوب است در این مجال مطلع شوند که رفاقت من و شما به سال‌های دوری برمی‌گردد که در کردستان و آذربایجان غربی بودید و سپس به اردبیل رفتید تا تقدیرمان این باشد که هر دو استانداری دولت ششم را تجربه کنیم.». رحیمی در ادامه نوشت: «چندی گذشت و اصرار کردید که به جمع دولت بپیوندم؛ پاسخم منفی بود با این استدلال که اگر در دیوان بمانم بیشتر منشأ کمک و خدمت به کشور خواهم شد. نپذیرفتید و بدون اطلاع من حکمی صادر کردید و با حفظ سمت به‌عنوان معاون حقوقی منصوب نمودید که خلاف مقررات بود. چاره‌ای نداشتم جز آنکه از دیوان محاسبات استعفا بدهم... ». او داستان را این‌گونه ادامه می‌دهد: «ماجرای معاون‌اولی پیش آمد. بعد از ناکامی گزینه اول، به بنده پیشنهاد دادید و همان موقع گفتم که با وجود کینه‌های سیاسی و برخی زخم‌های کهنه، از من بگذرید، زیرا عاقبت کار را می‌دانستم که برخی مخالفان سیاسی با عنادورزی به‌دنبال هتک حیثیت و بربادادن آبرویم خواهند بود؛ اما باز هم مخالفت با تصمیم شما سخت بود». رحیمی در ادامه نامه به تغییرات و تطور احمدی‌نژاد اشاره می‌کند؛ به توجه رئیس دولت به «سروش آسمانی کذایی» به‌جای توجه به نظر مشاورانش، با وجود این از پایبندی خود به رفاقتشان می‌نویسد: «بار دیگر در صحنه رفاقت باختم و باز هم حرفتان را گوش کردم».

politics@sharghdaily.ir

مردی نبود فتاده را پای زدن

عمادالدین باقی

«مردی نبود فتاده را پای زدن...» اگرچه او غیر از صدور حکم علیه خود من خانواده‌های ما را هم خیلی اذیت کرد؛ از طرح اتهام تا بازجویی‌های طولانی برای خانواده‌ام و مشکلاتی که در جریان ازدواج دخترم مریم با آقای قوچانی به وجود آورد ولی من در این چند روز از اینکه بخواهم درباره سعید مرتضوی حرفی بزنم، پرهیز داشتم. دغدغه من این بود که نخواهم درباره مواجهه شخصی خود با مرتضوی مطلبی بنویسم اما اصرار و تلاش او در استنکاف از حکم، خاطراتی را در ذهنم زنده کرد.او یک مجری بود. من جریان این را که در دادگاه من چگونه او از بیرون هدایت می‌شد در روزنامه سازندگی چند روز پیش نوشته‌ام. هیچ‌وقت هم درباره او تعبیر قاضی را به کار نبردم و از این کار امتناع می‌کردم. سعید مرتضوی، هم خودش چندین جلسه بازجویی‌های من را انجام داد و هم هفت جلسه دادگاه را برگزار کرد. آنچه برای من آزاردهنده بود، دروغگویی سعید مرتضوی بود؛ زیاد دروغ می‌گفت. من تصور می‌کردم کذب گفتن فقط به جلسات دونفره من و مرتضوی هنگام بازجویی و بدون حضور وکیل محدود می‌شود اما این موضوع در جلسات دادگاه هم رخ می‌داد. مثلا در یکی از جلسات دادگاه من اعلام کرد که آقایان انصاری و سیدحسن خمینی تماس گرفته و گفته‌اند مطالبی که باقی درباره متهمان پرونده قتل‌های زنجیره‌ای از قول سید حسن مطرح کرده دروغ است. این در حالی بود که آقای انصاری تلفن مرتضوی را از خود من گرفت و در تماسی با او اعلام کرده بود مطالبی که آقای باقی مطرح کرده صحیح است و اگر شما وارد شوید، ما در بیانیه‌ای موضع خواهیم گرفت. آقای انصاری پس از تماس با مرتضوی و دقایقی قبل از رسیدن من به جلسه دادگاه گزارش این مکالمه را به من داده بود. با این حال و باوجود این تماس، مرتضوی در دادگاه به دروغ از قول سیدحسن خمینی و انصاری من را به دروغگویی متهم کرد. بعد از آن ماجرا، حسن خمینی مجبور شد تا در بیانیه‌ای اعلام کند که برخلاف آنچه مرتضوی مطرح کرده، اظهارات باقی صحت دارد و این بیانیه در مطبوعات چاپ شد.من در مجموع در هفت جلسه محاکمه شدم اما به دلیل بیماری فتق شدید توانایی ایستادن طولانی‌مدت در جلسات دادگاه را نداشتم. این موضوع به اطلاع مرتضوی رسیده بود و مدارک پزشکی هم ضمیمه شده و درخواست شده بود تا من به صورت نشسته در جلسات دادگاه حاضر شوم و به دفاع بپردازم اما او اجبار کرده بود تا در جلسات دادگاه که دفاعیات من پنج، شش ساعت و گاهی هفت ساعت به طول می‌انجامید، در حالت ایستاده باشم. در نهایت در جلسه پنجم، وضعیت من حاد شد؛ طوری که به بیمارستان منتقل شدم و تحت عمل جراحی قرار گرفتم. به خاطر دارم مرتضوی با بیمارستان و پزشکان معالج من تماس گرفته و گفته بود که در این موضوع تبانی صورت گرفته است. بیمارستان تمام مدارک پزشکی درخصوص بیماری و عمل را برای مرتضوی ارسال کرد اما او مدعی شده بود که همسرش پزشک است، پرونده را مطالعه کرده و می‌گوید که من تمارض کرده‌ام و دروغ گفته‌ام. خاطره دیگری که در ذهنم تکرار می‌شود، این است که سعید مرتضوی به راحتی آب خوردن، حکم صادر می‌کرد. در پرونده اول من، حکم صادره هفت‌سال‌ونیم زندان بود که دوسال‌ونیم آن تعلیقی بود و در تجدیدنظر تعزیری شد و البته حکم شکست. حالا برای من عجیب است که برای یک حکم دو ساله که نشئت گرفته از جرم مرتکبه از قبیل معاونت در قتل و حیف‌ومیل اموال عمومی است، نه به خاطر مقاله نوشتن، او از زندان رفتن تا جایی که ممکن بوده فرار کرده است. یعنی انسانی که تا این اندازه از زندان رفتن واهمه داشته، به این راحتی برای متهمان دادگاه‌های خود احکام سنگین صادر می‌کرد.آنچه در فرار مرتضوی برای من جالب است، صرف‌نظر از اینکه نسبت به بزرگی جرائمش تخفیف داده‌اند، این است که خود را خوار کرد. وقتی موضوع زندان پیش می‌آید، فرد می‌تواند با سربلندی به زندان برود اما او با خواری به زندان رفت. از یاد نبریم که سعید مرتضوی چون در مرحله اجرای حکم است، مستقیم به بند عمومی زندان می‌رود. درحالی‌که او افراد زیادی را مستقیما از دادگاه روانه سلول انفرادی کرد. همچنان که این اتفاق برای خود من رخ داد.بعد از پایان جلسه ششم دادگاه، به صورت غافلگیرانه و بدون هیچ توجیهی حکم بازداشت من را صادر کرد و من به انفرادی در بند ۲۰۹ و بعد از دو ماه به بند عمومی منتقل شدم. این در حالی است که پس از انتقالم به بند عمومی حدود دوماه بعد با دستور سعید مرتضوی، من، گنجی و شمس‌الواعظین ممنوع از تلفن شدیم. آقای شمس چندماه بعد آزاد شد ولی در طول دو سال‌ونیم از حبس من، ما حق نداشتیم حتی در زمان عید و تعطیلات هم با خانواده خود تماس تلفنی داشته باشیم.جالب است بدانید که من، گنجی و شمس‌الواعظین تا زمانی که او از زندان آزاد شد، به دور از سایر زندانیان و در شرایط ایزوله و مشابه انفرادی نگهداری شدیم. بعد از آزادی شمس، من و گنجی به صورت دو نفره حدود دو سال‌ونیم آن شرایط ایزوله شده و بدون تلفن را سپری کردیم. یک بار هم مأموران در زندان با وضع ناهنجاری ما را از زندان به دادگاه نزد او بردند. این رفتار با هر زندانی‌ای ناپسند بود؛ چه رسد با اهالی قلم و نویسندگان. البته چون آقای گنجی همان روز دادگاه علنی داشت، این شانس را پیدا کرد که ماجرا را بیان کند ولی کسی از آن بدرفتاری با ما خبردار نشد. مسئولان زندان دستخط مرتضوی را به ما نشان دادند که مجوز داده بود این‌طور رفتار شود.۱۰ سال بعد از آن، دیوان عالی کشور، حکم توقیف روزنامه نشاط را نقض کرد؛ حکمی که به واسطه انتشار مقاله من صادر شده و من و شمس به عنوان سردبیر و لطیف صفری به عنوان مدیر مسئول به‌خاطر همان مقاله محکوم شده بودیم و به طریق اولی، این نقض حکم من هم تلقی می‌شود؛ ولی ما آن محکومیت ناحق را سپری کردیم. آیت‌الله شاهرودی، رئیس وقت قوه قضائیه گفته بود قضات مدتی را در زندان برای کارآموزی سپری کنند تا احکامی که صادر می‌کنند، منصفانه باشد! شاید مرتضوی اگر دست‌کم آن روزها چند روز را در زندان سپری کرده بود، در رفتار و احکامی که صادر می‌کرد، تجدیدنظر می‌کرد.

سرانجام سعید مرتضوی دستگیر شد

دادستان سابق به بند ۲۴۱ اوین منتقل شد

ادامه از صفحه اول

«تابه‌حال از طرف اجرای احکام هیچ‌گونه احضار یا دعوتی از این‌جانب یا ضامن به عمل نیامده؛ بنابراین چنانچه بدون طی مراحل آیین دادرسی اقدامی هم صورت گرفته باشد، این‌جانب از آن بی‌اطلاع بوده و خلاف قانون و رویه معمول در اجرای احکام و آیین دادرسی عمل شده است».

«گیرنیاوردن» مرتضوی با واکنش‌هایی هم مواجه شده بود، رسانه‌ها هم از اطرافیان او سراغش را می‌گرفتند. تلفن همراه مرتضوی همیشه خاموش بود. «اعتمادآنلاین»، چند باری سراغ همسر او رفت و هر بار جواب متفاوتی گرفت؛ یک بار گفت «مگر می‌شود از همسرم بی‌خبر باشم»؛ اما چند روز بعد که شایعه دستگیری مرتضوی پخش شده بود، گفت: «من هیچ خبری از آقای مرتضوی ندارم». خبرنگار «شرق» هم یکی از محافظان قاضی سابق را پیدا کرد، اما او با بیان اینکه حق مصاحبه ندارند فقط این را گفت: «حدود یک ماه است که سعید مرتضوی دیگر تیم حفاظت ندارد و من هم اخبار مرتبط با او را از رسانه‌ها می‌شنوم». مقامات رسمی نیز هریک به‌نوعی به گیرنیاوردن مرتضوی واکنش نشان دادند. «حسام‌الدین آشنا»، مشاور رئیس‌جمهوری، در توییتی نوشت: «مراقب باشیم مرتضوی، خاوری نشود؛ نه فرار کند و نه فراری داده شود. او حامل رازهای سربه‌مهر فراوانی است. بدون او تاریخ قضائی ایران در طول بیش از یک دهه پنهان خواهد ماند».

شهیندخت مولاوردی، دستیار رئیس‌جمهور در امور حقوق شهروندی هم درباره چگونگی دسترسی‌پیدانکردن قوه قضائیه به سعید مرتضوی به خبرآنلاین، گفته بود: «اولش این تصور بود که یک شوخی است که دسترسی به او نیست و ظاهرا از وقتی سخنگوی قوه قضائیه مطرح کرد، موضوع جدی گرفته شد. سؤال ما نیز همین است و همه تعجب‌ها نیز از همین مسئله بود که حساسیت‌های بیشتری را در جامعه ایجاد کرد. این سیاست و تدبیر داخلی را می‌طلبد که چگونه با این موضوعات برخورد و چگونه این موضوعات طرح و پیگیری شود تا به حساسیت‌ها دامن زده نشود، چون واقعا موضوع، موضوع کم‌اهمیتی نیست».

عباس جعفری‌دولت‌آبادی، دادستان تهران، ۲۸ فروردین، در جمع کارکنان دادسرای پولی- بانکی درباره مجرم پرونده کهریزک گفته بود: «دادستانی درمورد پرونده‌هایی که با حیثیت دستگاه قضائی مرتبط است، طبق قانون عمل کرده و خواهد کرد و درمورد این محکوم نیز دستورات لازم برای اجرای حکم به ضابطین داده شده و به کسانی که مسئول پیگیری موضوع هستند، تأکید شده است که باید حکم صادره اجرا شود».

تقاضای مرتضوی از رئیس قوه قضائیه

«سعید ایوبی»، وکیل‌مدافع سعید مرتضوی است. او که عصر روز گذشته اعلام می‌کرد از بازداشت موکلش بی‌اطلاع است، به ایسنا گفت: «اطلاعی که از او داشتم این بود که به دنبال اعمال ماده ۴۷۷ قانون آیین دادرسی کیفری است و قصد دارد راساً از ریاست محترم قوه قضائیه تقاضا کند که پرونده را شخصا مورد بازبینی قرار دهد. اگر رئیس محترم قوه قضائیه واقعا این رأی را خود شخصا تأیید کنند که قانونی و شرعی صادر شده، مطمئن باشید آقای مرتضوی حتما تحمل مجازات می‌کند. بنده از جامعه حقوقی، حقوق‌دانان، قضات و وکلای محترم و کسانی که دوست دارند کار پژوهشی و تحقیقی انجام دهند دعوت می‌کنم این رأی را تحلیل و نقد کنند».

او سعی کرد مطبوعات را که روزگاری مرتضوی قاضی پرونده‌های آنان بود، به بزرگ‌نمایی محکوم کند و گفت: «فارغ از اینکه آقای سعید مرتضوی در پرونده کهریزک به ناحق محکوم شدند و رأی صادره حتی به او ابلاغ نشد، امروز شاهد هستیم که این موضوع به شکلی به آن پرداخته شد که نوعی مجازات مضاعف به او تحمیل شد و رسانه‌ها برخلاف رسالت مطبوعاتی‌شان به نحوی به تبلیغات پرداختند و موضوع را بزرگ‌نمایی کردند».

ایوبی، پیشنهادی هم به مدافعان حقوق بشر داشت: «بنده از مدافعان حقوق بشر و مدعیان این امر که البته طیفی از مخالفان موکل من را تشکیل می‌دهند، به‌عنوان وکیل‌مدافع تقاضا دارم رأی مذکور را بنا بر رسالت‌شان آن‌گونه که ادعا دارند، تحلیل و نقد کنند تا روشن شود دستگاه قضا تا چه اندازه در این پرونده احقاق حق کرده است».

«ماده ۴۷۷» مرتضوی را نجات می‌دهد؟

اما «ماده ۴۷۷ قانون آیین دادرسی کیفری» که هم سعید مرتضوی در جوابیه‌اش به «شرق» و هم موکلش از آن نام برده‌اند، چیست. این ماده در فصل چهارم آیین دادرسی کیفری قرار دارد. فصلی که ناظر بر اعاده دادرسی است. متن کامل ماده ۴۷۷ به شرح است: «درصورتی‌که رئیس قوه قضائیه رأی قطعی صادره از هریک از مراجع قضائی را خلاف شرع بین تشخیص دهد، با تجویز اعاده دادرسی، پرونده را به دیوان عالی کشور ارسال می‌کند تا در شعبی خاص که توسط رئیس قوه قضائیه برای این امر تخصیص می‌یابد، رسیدگی و رأی قطعی صادر شود. شعب خاص مذکور مبنیا برخلاف شرع بین اعلام‌شده، رأی قطعی قبلی را نقض و رسیدگی مجدد اعم از شکلی و ماهوی به عمل می‌آورند و رأی مقتضی صادر می‌کنند». به نظر می‌رسد دادستان سابق تهران به دنبال این است تا رئیس قوه قضائیه شخصا به پرونده او ورود پیدا کند و این‌گونه از حبس رها شود.

مرتضوی برای چه به زندان رفت؟

سعید مرتضوی، با آنکه خود قاضی دادگاه مطبوعات و مدت‌زمانی دادستان تهران بوده است، نامش در چند پرونده می‌درخشد. دو پرونده مهم او یکی پرونده «سازمان تأمین اجتماعی» است که برای بخشی از آن هنوز حکمی صادر نشده است. دومی هم پرونده «بازداشتگاه کهریزک» است. داستان دو سال حبس سعید مرتضوی به شکایت دوباره اولیای‌دم «محسن روح‌الامینی» به پرونده جنایت کهریزک برمی‌گردد. او در این پرونده تبرئه شده بود؛ اما با اعتراض اولیای‌دم روح‌الامینی این پرونده به شعبه ۳۸ دیوان عالی کشور ارجاع شد و دیوان عالی هم این پرونده را برای رسیدگی مجدد به شعبه ۲۲ دادگاه تجدیدنظر استان تهران ارجاع داده بود. ۱۸ مهر و ۳۰ آبان سال گذشته، دو جلسه رسیدگی به این پرونده بدون حضور سعید مرتضوی برگزار شد و او تنها برای دادگاه لایحه دفاعیه فرستاد.

«محسن روح‌الامینی»، «محمد کامرانی» و «امیر جوادی‌فر»، سه بازداشتی‌ای بودند که بعد از بازداشت در روز ۱۸ تیر ۸۸ و انتقال به بازداشتگاه غیرقانونی کهریزک بر اثر شدت جراحات و عفونت فوت کردند؛ اما در نامه‌ای که مسئولان بازداشتگاه درباره علت فوت این سه نفر خطاب به دادستان وقت تهران می‌نویسند، علت فوت، «مننژیت» اعلام می‌شود. بهداری زندان ۲۱۰ کهریزک نیز علت اولیه فوت جوادی‌فر را مشکل تنفسی و مننژیت و همچنین ایست قلبی اعلام کرده بود. در این نامه تأکید شده بود: «هیچ‌گونه ضرب‌وشتمی درباره متهمان در زندان صورت نگرفته است». نکته جالب در ماجرا این بود که نه پزشک وظیفه شاغل در بهداری و نه رئیس بهداری «فاتب»، هیچ‌کدام حاضر به تأیید و امضای این گزارش نشده بودند و متهمان دادگاه انتظامی کهریزک مدعی شدند متن این گزارش خلاف واقع از سوی سعید مرتضوی به آنان داده شده و او از آنان خواسته چنین گزارشی را بنا بر مصلحت به دادستان عمومی تهران ارائه کنند.

سردار احمدی‌مقدم، فرمانده نیروی انتظامی، هم بعدا در گفت‌وگویی فاش کرد که انتقال بازداشتی‌های حوادث ۸۸ به کهریزک با اصرار سعید مرتضوی بوده است. علت مرگ سه جوان در حالی صدمات و جراحات واردشده بر بدن ۷۲ ساعت قبل از فوت و عفونی‌شدن بدن اعلام شده بود که از سوی مراجع و مقامات بالاتر در آن چند روز بارها به دادستان تهران تکلیف شده بوده که هرچه زودتر بازداشتی‌ها از کهریزک به اوین منتقل شوند؛ به احتمال قوی در صورت انتقال، هیچ‌کدام فوت نمی‌شدند. اولین دادگاه مربوط به پرونده کهریزک در سال ۹۱ برگزار شده بود. نخستین جلسه دادگاه، هشتم اسفند ۹۱ آغاز شد و اول خرداد ۹۲ بعد از ۱۱ جلسه پایان یافت. در جلسات آخر دادگاه، خانواده جوادی‌فر از سعید مرتضوی اعلام رضایت کردند که همه را در شوک فرو برد. مرتضوی مدتی قبل نامه عذرخواهی برای خانواده‌های کشته‌شدگان کهریزک نوشته بود و از آنها با عنوان «شهید» یاد کرد؛ اما خواهر محمد کامرانی در پاسخ گفت: «عذرخواهی درمان ناله‌های جان‌سوز مادرم نیست». در نهایت پرونده کهریزک بعد از کلی فرازونشیب و تجدیدنظرخواهی به دیوان عالی رفت و حکم صادر شد. «معاونت در قتل»، «مشارکت در بازداشت غیرقانونی» و «معاونت در تنظیم گزارش خلاف واقع»، اتهامات سعید مرتضوی در پرونده بازداشتگاه کهریزک بود. او به دلیل بازداشت غیرقانونی افراد و انتقال آنها به کهریزک به انفصال دائم از خدمات قضائی و پنج سال انفصال از خدمات دولتی محکوم شد. او به علت تنظیم گزارش خلاف واقع به پرداخت مبلغ ۲۰۰ هزار تومان جریمه محکوم شده بود؛ اما شعبه ۳۸ دیوان عالی کشور این اتهام را وارد ندانست و در نهایت مرتضوی از این اتهام تبرئه شد. او از اتهام معاونت در قتل محمد کامرانی و امیر جوادی‌فر هم تبرئه شد؛ اما چون شکایت خانواده روح‌الامینی ضمیمه پرونده کهریزک نشده بود و به صورت مستقل بررسی شد، سعید مرتضوی به خاطر معاونت در قتل به دو سال حبس محکوم شد.

ادامه از صفحه ۶

اروپا سعی کند آمریکا را در برجام نگه دارد

وزیر خارجه در پاسخ به اینکه بندهای غروب (در برجام) به‌ویژه یکی از موضوعات مورد نگرانی ترامپ است؛ گفت: «سه خط پایانی در مقدمه توافق هسته‌ای مبنی بر این است که ایران متعهد شده هرگز سلاح هسته‌ای تولید نکند، لازم نیست شما حتی تمام ۱۵۰ صفحه توافق را مطالعه کنید، فقط لازم است سه خط را در مقدمه بخوانید. هیچ پایانی بر این حقیقت وجود ندارد که ایران هرگز به دنبال تولید سلاح هسته‌ای نخواهد رفت».

تلاش می‌کنیم از نفوذ خود استفاده کنیم

ظریف درباره چند شهروند آمریکایی که در ایران زندانی هستند، هم گفت: «زندانیان ایرانی زیادی نیز در آمریکا هستند، شامل یک خانم که به دلیل درخواست‌های غیرمتعارف آمریکا مجبور به وضع حمل در یک زندان استرالیایی شد. دستگاه قضائی ما یک نهاد مستقل است، همان‌طور که شما درباره دادگاه‌هایتان می‌گویید، ما نیز نمی‌توانیم روی تصمیمات دستگاه قضائی‌مان تأثیر بگذاریم؛ اما تلاش کرده‌ایم تا از نفوذ خود از منظر بشردوستانه استفاده کنیم». او در پاسخ به اینکه تبادل زندانیان در آینده شبیه آنچه در دوران ریاست‌جمهوری اوباما اتفاق افتاد، ممکن است، هم گفت: «این احتمال به‌ویژه از منظر بشردوستانه وجود دارد؛ اما نیازمند تغییر رویکرد و تغییر لحن رئیس‌جمهور است».وزیر خارجه ایران در محور دیگر گفت‌وگو درباره سوریه گفت: «ما مخالف استفاده از تسلیحات شیمیایی از سوی همه هستیم. تأکید می‌کنم همگان. ما برای مخالفت خود با استفاده از این سلاح‌ها هیچ شرایطی قرار ندادیم.

ادامه از صفحه۲

روزی روزگاری مرتضوی

کنایه دهدشتی به انتصاب مرتضوی به‌عنوان رئیس سازمان تأمین اجتماعی بود؛ سازمانی که در دوره مرتضوی بیش از هر زمان دیگری حیاط‌خلوت تخلف‌های پیاپی شد. این عضو کمیته پیگیری پروند بابک زنجانی در مجلس نهم آن روز در بهارستان فریاد زد که «زنجانی با صحبت‌های خود سیستم قضائی و امنیتی را به سخره می‌گیرد و مرتضوی در دادگاه همچنان تصور می‌کند قاضی است، با محافظِ مسلح وارد دادگاه می‌شود و به جای اینکه دادگاه وقت دادرسی تعیین کند، ایشان برای دادگاه تعیین وقت می‌کند. او چه فرقی با سایر متهمان دارد؟ مگر نه این است که در پیشگاه قانون همه با هم برابرند؟ نکند خدای نکرده سابقه قاضی و دادستان بودنش در برخورد قوه قضائیه با او تأثیر گذاشته است؟».

روایت دهدشتی از یک جلسه خصوصی

آقای‌مرتضوی وقتی در جایگاه‌های خاصی قرار داشته و در مناصب خاصی بوده، خیلی مقتدرانه حکم می‌داده اما زمانی‌که ما ایشان را خواستیم تا توضیحاتی درباره ابعاد پرونده تأمین اجتماعی ارائه دهد، واکنش‌ها عجیب بود. جلسه ما در واقع یک‌جلسه خیلی راحت بود (نه اینکه سیستم امنیتی باشد) اما ایشان به‌شدت می‌ترسید. یعنی به‌شدت خودش را باخته بود و این نکته در ذهن من ثبت شد. ایشان مدام توجیه می‌کرد. هیچ مستنداتی نداشت و فقط صرفا مسائل مطرح‌شده را رد می‌کرد و کامل خودش را باخته بود. من اصلا تعجب کردم که چنین شخصیتی این‌طور در یک جلسه ساده برخورد می‌کند، واقعیتش را بخواهید دلم هم برایش سوخت.

یکشنبه سیاه

یکشنبه سیاه بهارستان از یاد مجلسی‌ها نخواهد رفت. استیضاح شیخ‌الاسلامی، وزیر کار وقت دولت احمدی‌نژاد در دستور کار صحن علنی مجلس بود. احمدی‌نژاد از صبح همان روز تهدید کرده بود که فیلمی را به نمایش خواهد گذاشت و عاقبت بگم بگم‌ها را در یک سکانس عجیب به نمایش گذاشت. دستور داد تا اتاق فرمان فیلمی را پخش کنند. نه صحبت‌ها قابل‌فهم بود و نه تصاویر چندان گویا. احمدی‌نژاد آن روزها در جریان دفاع از وزیر خود با پخش فیلمی ادعا کرد که این استیضاح یک نوع انتقام‌گیری است. او فیلم مخفیانه ضبط‌شده‌ای نشان داد که از قضا صدای واضحی هم نداشت. احمدی‌نژاد متن پیاده‌شده فیلم را تا انتها برای نمایندگان مجلس در جلسه علنی خواند. در آن گفت‌وگو بارها نام بابک زنجانی به میان آمده بود.

نوبت دوم

شماره مجوز ۱۳۹۷.۲۹۲

آگهی مناقصه عمومی (دو مرحله ای)

شرکت ملی نفت ایران
شرکت نفت مناطق مرکزی ایران

موضوع : مناقصه شماره م م ن ۹۶/۰۴۴ مربوط به خرید دو قلم دستگاه تنفسی فرار با سیلندر یدک و AIR LINE چرخدار مورد نیاز اداره HSE تقاضای شماره SLP-9500319020

شرکت نفت مناطق مرکزی ایران درنظر دارد موضوع مناقصه فوق الذکر را با مشخصات و شرایط کلی زیر از طریق مناقصه عمومی (دو مرحله ای) به شرکت های واجد شرایط، واگذار نماید.

الف) شرح مختصر کار : خرید دو قلم دستگاه تنفسی فرار با سیلندر یدک و AIR LINE چرخدار مورد نیاز اداره HSE

ب) مدت و محل اجرای قرارداد : مدت قرارداد ۶ ماه پس از ابلاغ به فروشنده (طبق جدول زمان بندی نیاز کارفرما) می باشد.
تحویل در استان تهران- شهر ری - انبار شرکت نفت مناطق مرکزی ایران

ج) شرایط و مدارک مورد نیاز جهت شرکت در مناقصه (الزامی) : ارائه مدارک استعلام ارزیابی کیفی من جمله شرایط و مدارک اعلام شده زیر جهت شرکت در مناقصه الزامی است.
۱ - داشتن شخصیت حقوقی و ارائهٔ مدارک ثبت شرکت شامل: آگهی تاسیس شرکت در روزنامه رسمی ، اساسنامه، آخرین تغییرات ، کُد اقتصادی و شناسه ملی شرکت، آدرس دقیق پستی، تلفن ثابت و نمابر (فکس).
۲ - داشتن توانائی ارائهٔ ضمانتنامهٔ بانکی به مبلغ ۸۴۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال به عنوان تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار (مناقصه).
۳ -تکمیل فرم استعلام ارزیابی کیفی موجود در سایت www.icofc.ir

د) مهلت و محل مراجعه متقاضیان :
متقاضیان واجد شرایط مندرج در بند "ج" که آمادگی اجرای پروژه را دارند می توانند فرم های استعلام ارزیابی کیفی آن مناقصه را از پایگاه اینترنتی این شرکت به نشانی WWW.ICOFC.IR دریافت و براساس آن مدارک لازمه شامل سوابق و مدارک کاری و مالی ۵ سال اخیر را تکمیل و در قالب یکعدد CD (لوح فشرده) به انضمام "نامه اعلام آمادگی جهت شرکت در مناقصه فوق الذکر حداکثر تا ساعت ۱۵ روز چهارشنبه مورخ ۱۳۹۷/۰۲/۱۹ به این شرکت به نشانی: تهران - خیابان طالقانی - خیابان حافظ - خیابان رودسر غربی - پلاک ۳۰ (ساختمان خلیج فارس) - طبقه پنجم تسلیم نمایند.
درصورت نیاز به اطلاعات بیشتر متقاضیان می توانند با تلفن های ۸۷۵۲۴۴۱۶ (۰۲۱) (تدارکات کالا) ۸۷۵۲۱۰۴۵ (۰۲۱)(کمیته فنی بازرگانی)تماس حاصل نمایند.

تاریخ چاپ : نوبت اول ۹۷/۲/۲ نوبت دوم ۹۷/۲/۳ روابط عمومی شرکت نفت مناطق مرکزی ایران

ارتباط با روزنامه شرق
SHARGHLINE
@ SHARGHDAILY.IR